

متن پرسش

سلام: داشتم کتاب ماجرای فکر آوینی رو دوباره می خوندم رسیدم به اون قصه کاشی کاری قمصر و نماز سه دقیقه ای چطور میشه زندگی رو عبادت کرد؟ فقط آرام بودن در کارها باعث دوری از عجله و تکاثر فرهنگ مدرنیته میشه؟ فکر نکنم. چطور میشه نگاهی غیر از این رو توی دنیایی مثل امروز پیاده کرد؟ ما هر روز از همه چیز عقبیم که من فکر می‌کنم واقعاً حق داریم. عمرمون سریع رد میشه و برای اینکه بهش برسیم باید بدویم. من بیست ساله فقط سه تا کتاب خوندم، این فاجعه است، با اینکه کل زندگیم در حال دویدن بودم، احساس می‌کنم هنوز هم عقبم هنوز به جایی نرسیدم که بگم دیگه من راضی ام. این حرف از بعد مادی نیست. من نمی‌گم ما باید همیشه در ابعاد مادی پیشرفت کنیم، از یه جایی به بعد دیگه باید متوقف بشیم و عمر رو با چیزهایی که به دست آوردیم ادامه بدیم. اما من هنوز به اون نرسیدم و نمیدونم میرسم یا نه. خیلی‌ها رو دیدم که کل عمرشون در حال دویدن بودن، خیلی‌ها هم دیدم که با چیزهایی که بدست آورده بودن زندگی رو ادامه میدادن و عطش پیشرفت رو نداشتن و قانع بودن اما فکر نکنم هیچکدوم از دو گروه اونجور که شهید آوینی می‌گفت زندگی رو عبادت کرده باشن چون هر دو درگیر جهانی هستن که از روح بریده. چطور میشه تو این دنیا روح آرامش داشته باشه وقتی اصلاً به حساب نیاد هرچقدر هم که بخوایم از مدرنیته و فرهنگش دوری کنیم نمیشه، نمیدونم نمی‌تونم درک کنم، با این قضیه که شرح دادم با تمام وجود درگیر بودم و هستم من یه زمانی به شدت کار کردم، با تمام وجود، بعدش دیدم دیگه نمی‌تونم ادامه بدم بریدم بدجوری هم بریدم و هنوز هم درگیرشم، برای آرامش هیچ راهی پیدا نکردم جز دوری از مسئولیت‌ها، وقتی یه مسئولیتی رو ترک کنی، یه کاری رو انجام ندادی و عذاب وجدان انجام ندادن اون کار گردنت رو میگیره و فشار میده حتی بدون اینکه کاری کنم تحت فشار بودم و در حقیقت اصلاً به آرامش نرسیدم سعی کردم مسئولیت هام رو سبک و سبک تر کنم اما به هیچ وجه پاسخگو نبود، انگار دیگه نمی‌خواستم توی این دنیا باشم حقیقت این بود که من فقط از مسئولیت هام شونه خالی نکردم از دنیا بریدم. انگار دیگه جای زندگی من نبود بخاطر اینکه من الان اینجام و دارم با شما صحبت می‌کنم به قول استاد می‌خواستم در دنیای دیگه ای حاضر بشم و از حضوری که همه درگیرش فاصله بگیرم اما نمی‌تونم، نمیدونم چطور باید در دنیای دیگه ای حاضر شد وقتی درگیر حضور توی این دنیا هستیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال ملاحظه می‌کنید که نمی‌توانید از جهانی که آوینی‌ها در آن حاضر بودند، بیگانه باشید و این‌جا است که باید با روحیه «متانت» و «صبر» و «دلسوزی»، خود را در جهان بین دو جهان حاضر کنید. امری که در کتاب «انقلاب اسلامی طلوع جهانی بین دو جهان، تفکر در مواجهه با متفکران و فهم ایران و انقلاب»

<https://lobolmizan.ir/sound/۸۰۷?mark=%D۸%AC%D۹%۸۷%D۸%A۷%D۹%۸۶%۲۰%D۸%A۸%DB%۸C%D۹%۸۶%۲۰%D۸%AF%D۹%۸۸%۲۰%D۸%AC%D۹%۸۷%D۸%A۷%D۹>

۸۶% و صوت‌های مربوطه از آن سخن گفته شد. در این حالت نه نسبت به مسئولیت‌هایی که احساس می‌کنید، بی‌تفاوت می‌شوید و نه گرفتار عمل‌زدگی خواهید شد. و این یعنی شهید آوینی‌ها و شهید حاج قاسم سلیمانی‌ها. موفق باشید